

روزنه

۵ نکته‌ای که ترامپ باید درباره ایران بداند

● حسین موسویان، معاون پیشین سیاست خارجی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و استاد و پژوهشگر ارشد دانشگاه پرینستون آمریکا، در مقاله‌ای که روزنامه هافینگتون‌پست آن را منتشر کرد، نکاتی را برشمرد که ترامپ باید درباره ایران بداند. او با اشاره به اینکه «انتخاب ترامپ، یک شوک جهانی بود» نوشت: «جهان به‌ناچار با این واقعیت کنار خواهد آمد؛ چون برای عموم کشورهای جهان، رابطه با آمریکا از اهمیتی کلیدی برخوردار است، اما شاید ایران تنها استثنایی باشد که آمریکا خصمانه‌ترین روابط تاریخ معاصر را با این کشور دارد.»موسویان افزود: «نکته جالب این است که رهبر عالی ایران با توجه به منازرات انتخابی آمریکا پیروزی ترامپ را پیش‌بینی کرد؛ چون معتقد بود او واقعیات آمریکا را صادقانه با مردم آمریکا در میان گذاشت... رهبری و ریاست‌جمهوری ایران درعین‌حال با نتیجه انتخابات آمریکا نوسرود برخورد کردند». او در ادامه با اشاره به مواضع ترامپ در مورد منازرات انتخاباتی درباره سیاست‌های آمریکا که بخش مهمی از دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای درباره فساد نظام آمریکا را تأیید کرد، این سؤال را طرح کرد که «آیا این اشتراک دیدگاه موجب خواهد شد که ترامپ با اصلاح سیاست‌های گذشته، نسبت روابط ۳۸ ساله آمریکا را شکسته و میراثی فراموش‌ناشدنی در تاریخ دیپلماسی قرن معاصر به جای بگذارد؟ موسویان از سوی دیگر با طرح این احتمال که ترامپ می‌تواند خصومت‌های گذشته را افزایش دهد، به چند نکته مهم اشاره کرد که ترامپ باید درباره ایران بداند.

نخست، نقش آمریکا در تحریب روند دموکراسی در ایران. او گفت: «آمریکا قاتل دموکراسی در ایران بوده است. آمریکا و انگلیس با کودتای ۱۹۵۳ علیه محمد مصدق، نخست‌وزیر منتخب و محبوب مردم ایران، جنبش دموکراسی در ایران را خفه و دیکتاتوری را احیا کردند. انقلاب اسلامی ایران، واکنش ملت ایران به ۲۵ سال دیکتاتوری شاه و سلطه آمریکا را شکسته دوم، سیاست تغییر رژیم آمریکا در ایران نتیجه معکوس داد. به گفته موسویان، بعد از انقلاب اسلامی، آمریکا همه اقدامات خصمانه ممکن برای تغییر رژیم در ایران را آزموده است. ایران نیز متقابلا همه ظرفیت و نفوذ خود برای مقابله با آمریکا را به کار گرفت. نهایتاً ایران امروز باتبات و مقتدرتر از گذشته و متحدان آمریکا با وجود شش ده حمایت تمام‌عیار واشنگتن، با سقوط کرده‌اند یا آسیب‌پذیرتر از همیشه هستند.

نکته سوم از نگاه موسویان این است که برجام بزرگ‌ترین پیروزی برای اشاعه‌نیافتن سلاح هسته‌ای در جهان است. او نوشت: «ترامپ تکلیف کرده سیاست‌های گذشته آمریکا برای تغییر رژیم در کشورها اشتباه بوده و او این سیاست را کنار خواهد گذاشت. اما او مخالف برجام است و در توییت خود، آن را یک معامله بسیار ناگوار خوانده است؛ درحالی‌که برجام میراث برجسته دیپلماسی جهان در چند دهه گذشته و جامع‌ترین سند اشاعه‌نیافتن سلاح هسته‌ای در جهان است که همه مکانیسم‌های شفافیت حداکثری و ساختن بمب هسته‌ای را تضمین می‌کند. آیا ترامپ برجام را نابود خواهد کرد یا تلاش خواهد کرد ضمن حفظ میراث اوپاما، میراثی بزرگ‌تر به جای بگذارد؟ اگر او تلاش کند اصول برجام به کل کشورهای منطقه سربایت کند، آرزوی ۵۰ساله جامعه جهانی درباره عاری‌سازی خاورمیانه محقق خواهد شد.»

جنگ‌های آمریکا به عنوان علت اصلی بی‌ثباتی در خاورمیانه، چهارمین مسئله‌ای است که موسویان با اشاره به آن نوشت: «جنگ‌ها در چهار دهه گذشته شامل حمله نظامی صدام به ایران (۱۹۸۰) و کویت (۱۹۹۰)، حملات نظامی آمریکا به افغانستان (۲۰۱۱) و عراق (۲۰۰۳)، حمله ناتو و متحدان عربش به لیبی (۲۰۱۲)، حمله نظامی عربستان به یمن (۲۰۱۵) و هجوم سیل تروریست‌ها از اقصی نقاط عالم به سوریه با حمایت متحدان منطقه‌ای غرب، خاورمیانه را در آستانه سقوط قرار داده و با گسترش تروریسم داعشی و القاعده‌ای، نتهتای امنیت منطقه و آمریکا و اروپا، بلکه امنیت جهان به خطر افتاده است. ترامپ اینکه کشورهای متحد آمریکا، منبع اصلی حمایت از این گروه‌ها هستند و اشتباهات گذشته آمریکا، موجب پیدایش داعش و القاعده شد»، او ادامه داد: «ترامپ تأکید کرده هدف اصلی او نابودی داعش است و نه اسد. این موضع ترامپ، شانس همکاری واشنگتن - مسکو در تحولات منطقه را افزایش داده است. ضمن اینکه آمریکا به عنوان قدرت جهانی و ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای نیز دو عنصر مهم در منطقه خاورمیانه هستند که نوع روابط آنها در نابودی داعش و حل بحران‌های منطقه تأثیرگذار خواهد بود». از نگاه موسویان، مسئله پنجم این است که او، جمهوری‌خواهان در واشنگتن، کنکره و دولت را در اختیار گرفته‌اند. با وجود اینکه چنین شرایطی منفی به نظر می‌رسد، درعین‌حال چون قدرت یک‌دست شده، می‌تواند یک فرصت تاریخی برای تغییر وضعیت اسفبار منطقه و بحران خطاهای ۶۰ ساله گذشته باشد. با وجودی که بعد از برجام، دیوار بی‌اعتمادی متقابل همچنان ضخیم است، کلیه همکاری‌های گسترده‌تر، کنارگذاشتن سیاست «تغییر رژیم» استفاده از دیپلماسی براساس اصول احترام متقابل، مداخله نکردن و منافع مشترک خواهد بود.

نکته‌ای که ترامپ باید درباره ایران بداند

زنپب اسماعیلی: کمتر از دو هفته دیگر به استقرار تیم دونالد ترامپ در کاخ سفید مانده است. نام‌هایی که تاکنون از کابینه دونالد ترامپ معرفی شده‌اند، تقریباً همگی ترسناک هستند و علاوه بر اینکه باید نگران بود آنها با منطقه خاورمیانه و ایران و برجام چه خواهند کرد، باید نگران بود که آنها در جهان چه خواهند کرد. کابینه پیشنهادی فعلی مردان و زنانی خشن هستند که همگی با ایران و توافق هسته‌ای مخالف بوده و هستند. بسیاری از اندیشمندان داخلی معتقدند که موضوع ایران را نباید به رتبه‌های اول اولویت ترامپ تبدیل کرد؛ چون او در ابتدا کارهای مهم‌تری برای انجام دارد. اگرچه می‌توان با تدبیری بیش از آنچه تاکنون در عرصه روابط خارجی وجود داشته، با آمریکای «ترامپ‌زده» مواجه شد؛ اما نیم‌نگاهی به تیمی که او برای همکاری برگزیده، می‌تواند دایره نگرانی ما را مشخص کند.

کابینه دونالد ترامپ هر طور که چیده شود، ارتباطش با ایران و منافع ما کتمان‌کردنی نیست. اگرچه هنوز همه کابینه او نهایی نشده و مشخص نیست که سا به همه اعضای پیشنهادی نظر مثبت بدهد؛ اما می‌توان گفت آنها که تاکنون برگزیده شده‌اند، اگر نگوییم مواضع مخالفی با جمهوری اسلامی ایران دارند، دست‌کم موضع مثبتی ندارند. ازاین‌رو به مهم‌ترین مواضع و سابقه وزرای پیشنهادی که به‌نوعی موضوع ایران با توافق هسته‌ای روی میز کارشان قرار خواهد داشت، نگاهی می‌اندازیم.

رفیق نفتی پوتین

وزارت امور خارجه: رکس تیلرسون



کرزنه ترامپ برای وزارت خارجه چند شاخصه مهم دارد؛ رئیس شرکت نفتی اکسون موبیل است و با ولادیمیر پوتین رفاقت دارد. او جانشین جان کری خواهد بود که برای دستیابی به توافق هسته‌ای با ایران، ۲۲ ماه پای مذاکره با وزیر خارجه ایران نشست. او در حالی با همتای ایرانی خود به مذاکره نشست که سه دهه بود بین ایران و آمریکا ارتباطی وجود نداشت. او رکورد وزرای پیشین خود را در تعداد روزهای مذاکره و خارج از کشور بودن در دور آخر مذاکره هسته‌ای شکست. دور آخر مذاکرات در تیرماه ۹۲، جسان کری ۱۹ روز در هتل کوپورگ وین، متوقف ماند و حتی برخی او را در بند ظریف توصیف کردند. کری شناخت نسبتاً خوبی از ایران دارد. او در دانشکاه ام‌آی‌آی با استادان ایرانی در تماس است. خواهرش پیش از تسخیر سفارت آمریکا، چندین سال در تهران زندگی می‌کرد و دامادش نیز یک ایرانی است. به نظر می‌رسد همه اینها در نگاهش نسبت به ایران تأثیر داشته است.

حال تیلرسون قرار است روی صندلی وزیر خارجه آمریکا بنشیند. او گفته که در نگرش دونالد ترامپ برای «تقویت و بازگرداندن اعتبار به موقعیت خارجی و پیشبرد امنیت ایالات متحده» شریک است. ترامپ، او را قدری موفق در زمینه مذاکرات و دستیابی به توافق‌های بین‌المللی معرفی کرده و «برای منافع ایالات متحده مدافعی پرقدرت و برخوردار از دیدی شفاف خواهد بود و به تغییر جهت در رویکرد سیاست خارجی کمک خواهد کرد که سال‌هاست به بیراهه رفته و امنیت و موقعیت آمریکا در جهان را تضعیف کرده است». به نظر می‌رسد یکی از امن‌ترین رویکردهای سیاست خارجی که قرار است در دولت ترامپ تغییر رویکرد پیدا کند، برنامه هسته‌ای ایران و نقش جمهوری اسلامی در منطقه است.

اما تیلرسون بیش از هرچیز به داشتن رابطه گرم با مسکو معروف است. او ۶۴ ساله است و تجارب فراوانی در زمینه مذاکرات بین‌المللی دارد و رابطه بازگانی مستقیمی هم با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، دارد. او در گذشته از منتقدان تحریم اقتصادی مسکو در جریان بحران اوکراین بوده است.

اگرچه رابطه گرم تیلرسون با پوتین، نگرانی‌ها را درباره رای آوردن او در سنا بالا برده؛ اما می‌توان به این گرمی رابطه خوش‌بین بود. آمریکا در سال‌های گذشته درباره جزیره کریمه، با عملکرد مسکو مخالف بود و این یکی از علل سردی رابطه پوتین و اوپاما شد و در پی انضمام کریمه به خاک روسیه، ایالات متحده همراه با اتحادیه اروپا تحریم‌هایی را علیه روسیه به اجرا گذاشتند. نقش مسکو در جریان جنگ روسیه نیز با اعتراض دولت دموکرات اوپاما همراه بود؛ اما دونالد ترامپ دراین‌باره راه خود را جدا کرد؛ او گفت با دولت بشار اسد مشکلی ندارد. آنچه مسئله اوست، تروریسم است که روسیه و ایران در حال مبارزه با آن هستند و او هم این مبارزه را ادامه خواهد داد. حال سؤال اینجاست که وزیر خارجه‌ای که با روسیه رفاقت دارد، در سیاست خارجی با ایران در چه نقطه‌ای قرار خواهد داشت. در مقام پاسخ به این سؤال نمی‌توان پاسخی شفاف داد؛ چون در عرصه سیاست پارامترهای متعددی نقش ایفا می‌کنند. به نظر می‌رسد وزیر خارجه آمریکا با ایران در برخی موضوعات بین‌المللی توافق و در برخی مخالفت داشته باشد؛ اما کفه مخالفت سنگین‌تر خواهد بود؛ زیرا توافق هسته‌ای با ایران است که برای ثبات و صلح در خاورمیانه است. «جیمز ماتیس، ژنرال بازنشسته و رئیس پیشین ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا‌کاست که به مواضع تند و صراحت لهنه‌اش مشهور است.

ژنرال ماتیس، اوایل بهار امسال در یک سخنرانی عمومی مدعی شد با وجود جدی‌بودن تهدید گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) و القاعده، «هیچ تهدیدی از نظر تأثیرات پایدار در بلندمدت روی ثبات و ششوقایی منطقه و امید جوانان به آینده بهتر، جدی‌تر از ایران نیست». او که در سال ۲۰۱۰ به ریاست ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا منصوب شد، سه سال بعد به دلیل آنچه در آن زمان اختلاف‌نظر با دولت اوپاما بر سر ایران عنوان شد، مقام خود را از دست داد. ماتیس هم از منتقدان سرسخت توافق هسته‌ای با ایران است که با بیانکردن تأثیرات مثبت آن بر توافق هسته‌ای این توافق را «ساده‌لوح‌بودن» متهم کرده است. او پیش از این درباره توافق هسته‌ای گفته: «ما مجبوریم قبول کنیم که یک توافق کنترل تسلیحات معیوب داریم... چیزی که به آن رسیدیم یک تأخیر هسته‌ای بود، نه توقف کامل. باید آماده بدترین پیامدها باشیم». البته ماتیس به کنارگذاشتن کامل برجام (توافق هسته‌ای) معتقد نیست و می‌گوید هرگونه عقب‌نشینی از این توافق، به

دیپلماسی

کابینه ترامپ درباره ایران و توافق هسته‌ای چگونه می‌اندیشند؟

این گروه خشن

ویژه بدون حمایت متحدان دیگر، آمریکا و منطقه را «در مسیر شکست قرار می‌دهد».

دوست اسرائیل

وزارت انرژی: ریک پری



فرماندار پیشین تگزاس، معاون اسبق جورج بوش در فرمانداری تگزاس و دوست نفتی‌ها، جانشین ارنست مومیز، وزیر انرژی کابینه اوپاما می‌شود که در مذاکرات هسته‌ای و برجام نقش مهمی داشت. مومیز هم‌دانشگاهی علی‌اکبر صالحی بود و با فنی‌شدن مذاکرات هسته‌ای، وارد مذاکرات شد و گام‌به‌گام توافق نهایی را در بخش فنی به نگارش درآوردند. رستوران‌های کوچک پیاده‌هتل کوپورگ در وین که صندلی‌هایش را در می‌دهدو می‌چیدند، عمدتاً میزبان مومیز و تیمش بودند که هنگام غذاخوردن هم در حال مطالعه متون مذاکرات بودند. با این اوصاف، در دولت جدید، اینکه دونالد ترامپ درباره برجام چه تصمیمی می‌گیرد، عملکرد ریک پری را درباره این توافق مشخص خواهد کرد. اگرچه مخالفت خود او با این توافق هم کم‌تأثیر نخواهد بود. اگر برجام ادامه پیدا کند، ریک پری با پولیوا آمانو، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روند این توافق و عملکرد ایران را رصد خواهد کرد.

آنچه تاکنون از مواضع «پری» مشخص است این است که او ایران را خطر برای موجودیت اسرائیل می‌داند و از منتقدان تند مذاکرات هسته‌ای دولت باراک اوپاما با ایران بود. او در انتخابات اخیر، کاندیدای مقدماتی حزب جمهوری‌خواه بود و در نخستین مناظره مقدماتی حزب جمهوری‌خواهان گفت کنکره باید مانع از لغو تحریم‌های ایران شود و مدعی شد «این پول به دست حکومتی می‌رسد که آن را در راه تروریسم خرج می‌کند». به نظر می‌رسد فرماندار پیشین تگزاس، دیدگاه‌های مشابهی با جورج بوش دارد. او پیش‌تر معتقد بود باید وزارت انرژی حذف شود، اما در سال‌های گذشته بر ترویج استفاده از انرژی پاک و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی متمرکز شده؛ این در حالی است که رسانه‌های آمریکایی در گزارش‌های خود از پری به عنوان «متخصص استخراج سوخت‌های فسیلی» یاد کرده‌اند.

جنرال اصلی انرژی در آمریکا بر سر نفت و انرژی‌های پاک است، در حالی که بخشیدن وام و کمک‌های مالی در حوزه پژوهش به عنوان ویژگی بارز وزارت انرژی دولت باراک اوپاما، معرفی می‌شد. همچنین ترامپ معتقد است که حوزه نفت باید آمریکا نقش چشمگیریتر ایفا کند. ریک پری همچنین در موضوع تغییرات اقلیمی، با فعالان محیط زیست و نهادهای بین‌المللی مواجه خواهد بود؛ چون دولت اوپاما به تعهدات بین‌المللی در این زمینه پیوسته، اما به نظر نمی‌رسد ترامپ خیلی سفت و سخت آنها را ادامه دهد.

کاربردار تحریم‌ها

وزارت خزانه‌داری: استیون منوجین



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا، استیون منوجین مدیر اجرایی سابق بانک هلدمن ساکس را دارد. او در ستاد انتخاباتی ترامپ مدیر مالی بود. در یک تعریف کلی می‌توان گفت وزارت خزانه‌داری، مسئول اجرای سیاست‌های مالیاتی آمریکاست و در عرصه بین‌المللی، اجرا و نظارت بر حسن انجام تحریم‌ها را پیگیری می‌کند. به نظر می‌رسد ماموریت اصلی منوجین در وزارت خزانه‌داری، معکوس‌سازی سیاست دولت اوپاما در قبال ایران، کوبا، کره شمالی و روسیه خواهد بود. تنظیم‌کننده و مجری تحریم‌های اقتصادی علیه دولت‌های خارجی در این وزارتخانه دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی است. برخی رسانه‌ها نوشته‌اند لغو یا جایگزینی بسیاری از سیاست‌های باراک اوپاما، درباره کشورهایی که مورد لغو تحریم آمریکا قرار گرفته‌اند، برای دولت بعد کار سختی نخواهد بود، چون اغلب آنها فرامین اجرایی بوده، نه قوانین مصوب کنکره.

همه متفق‌القول‌اند که وزیر خزانه‌داری ترامپ می‌تواند تأثیر عمده‌ای بر سیاست خارجی بگذارد.

دادستان زناپرست



ترامپ، جف سشنز را به سمت دادستان کل یا همان وزارت دادگستری برگزیده است. شاید با خودتان فکر می‌کنید دادستان کل ایالات متحده چه ربطی به ایران دارد. این نهاد و کسی‌که در این سمت نشسته است سالانه افراد زیادی را به ادعاهای اتهامی ارتباط با ایران، جاسوسی برای جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه اتهام دوزدن تحریم‌های ایران دادگاهی و مجازات می‌کند. همچنین پرونده‌های ادعایی که هراتزایی از لای حوادث تروریستی با یکی از حوادث خراب‌کارانه در

گوشه‌ای از دنیا بیرون کشیده می‌شود و به ایران منسوب می‌شود. آخرین آنها ادعای ارتباط ایران با حادثه برج‌های الخبر بود که اگرچه جمهوری اسلامی این اتهام را رد می‌کرد، اما برای کسانی که از آن حادته مغبون شده بودند، از محل اموال بلوکه‌شده ایران، غرامت تعیین کردند. البته دولت ایران به آن ماجرا معترض شد.

علاوه بر اینها اگر روزی ایران بخواد بابت تحریم‌های ظالمانه‌ای که بر کشور هموار شده و روند توسعه و پیشرفت ایران را کند کرده، در محاکم دادگستری درخواست دادخواهی و اعلام شکایت کند، قطعاً نهاده‌ی که بیش از همه با آن درگیر خواهد بود، وزارت دادگستری و البته خزانه‌داری ایالات متحده است.

جف سشنز که قرار است بر صندلی دادستان کل برنشیند، سناتور اهل آلاباماست که پیش‌ازاین اسمش به‌عنوان رئیس پنتاگون هم مطرح شده بود. این سناتور ۶۹ساله از حامیان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ بود و این یکی از موضوعاتی است که او درباره آن با رئیس‌جمهوری منتخب اختلاف موضع دارد؛ چون ترامپ آن جنگ را «وحشتناک و احقرانه» خوانده بود؛ اما این دو آن‌قدر اشتراک دیدگاه دارند که بتوان برخی اختلافات را نادیده گرفت. سشنز در دوران تبلیغات انتخاباتی یکی از نزدیک‌ترین متحدان ترامپ بود. سشنز در «کمیته خدمات نیروهای مسلح»، «کمیته قضائی» و «کمیته بودجه» سنا عضو بوده و از مخالفان توافق هسته‌ای است. نیویورک تایمز درباره او گزارش داده که سال ۱۹۸۶ دونالد ریگان، سشنز را برای مقامی قضائی معرفی کرده بود؛ اما کمیته‌ای در سنا او را به دلیل دیدگاه‌های تند نژادی رد کرد.

مسافر ناکام ایران

سازمان سیا: مایک پومپئو



نماینده مجلس از کانزاس؛ نامزد ریاست سیا، سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا،ست. مایک پومپئو یکی از سه نماینده جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان آمریکا بود که به ادعای نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان، تقاضای سفر به ایران کرده بودند. آنها بعد از برگردن درخواست ویزا در محل حفاظت منافع ایران عکس گرفته بودند و بعد در نامه‌ای به رهبری خواسته بودند که به درخواست ویزای‌شان توجه ویژه شود. آنها علاوه بر نظارت بر انتخابات خواستار این بودند که با زندانیان گوانتانامو در ایران ملاقات کنند و از مجتمع پارچین و تأسیسات هسته‌ای اراک و فردو بازدید کنند. او عضو جنبش تی‌پارتی در حزب جمهوری‌خواهان است؛ همچنین عضو انجمن ملی اسلحه، گروه لابی گسترش استفاده از سلاح گرم در آمریکاست که با بستن بازداشتگاه گوانتانامو مخالف بوده و مدعی است که روحانیون مسلمانان که حملات تروریستی را به‌شدت محکوم نمی‌کنند، «همدست» تروریست‌ها هستند. گفته می‌شود پومپئو توجه ویژه‌ای به اخبار ایران دارد و منتقد سرسخت توافق هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی بوده است. او همین اواخر در توییتش نوشت «منظر عقب‌گرد از این توافق فاجعه‌بار با بزرگ‌ترین دولت متحد تروریسم در جهان هستیم» و چند ماه پیش در یادداشتی نوشت: «یک سال بعد از توافق هسته‌ای اوپاما با ایران، این توافق ما را در معرض خطر فزاینده قرار می‌دهد». پومپئو و سناتور تام کاتن مدعی هستند که غیر از توافق هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهانی، ایران و آژانس بین‌المللی انرژی می‌تواند هم توافق جانیی بخرامانه دارند. این ادعا از سوی دولت ایران و آمریکا تکذیب شد.

سوزن‌بان قطار قطع‌نامه‌ها

سفیر سازمان ملل: نیکي هیلی



قریب‌به‌یقین سال‌های پیش‌روی استقرار دولت ترامپ، فضای آزادی و اجتماعی با فرمانداری شهرستان و خود خبرنگاران و نیروی انتظامی داشته‌ایم. چون به شاینت خبرنگاران توهین شده، همچنان هم از مجاری قانونی پیگیر هستیم. ما باید از خبرنگار دلجویی کنیم و امیدوارم این اتفاق بیفتد، اما باز هم من نوعی با این دلجویی‌ها قانع نمی‌شوم و امیدوارم دوستانی که با کم‌حوصکی با خبرنگاران برخورد می‌کنند سعه‌صدر بیشتری داشته باشند». از این دست اتفاقات بار اولی نیست که می‌افتد. هنوز خبر سیلی‌زدن نادر قاضی‌پور، نماینده مردم ارومیه، در راهروهای مجلس به صورت خبرنگار پارلمانی روزنامه ایران در اذهان مانده است. شاید اگر همان روز اقدام عاجلی صورت می‌گرفت، امروز شاهد شلاق‌خوردن این خبرنگار نبودیم. اما بار اولی نیست که اتفاق می‌افتد و بار آخر هم نخواهد بود. از طرفی مطابق صحبت‌های مسئولان نجف‌آبادی حکم صادرشده مربوط به پنج ماه پیش است و اگر بنا بود قدیمی برای جلوگیری از اجرای حکم برداشته شود، باید اداره ارشاد و فرمانداری و... پیش از این به فکر می‌افتادند. اما حالا که خبرنگار شلاق را خورده، توجیه این اتفاق با اینکه خبرنگار به ما حرفی نزده، کار بسیار ساده‌تری از قبول مسئولیت به نظر می‌رسد. هیچ‌کس هم نخواهد فهمید که این زخم‌های کاری روی تن خبرنگاران چه بر سر رسانه‌ها خواهد آورد.

ادامه از صفحه ۱۷

جراغ سبز وزیر به مسافركش‌های آنلاین

او همچنین یادآور شد به‌کارگیری موتورسیکلت در مجموعه خدماتی اسنپ فعلاً در دستور کار نیست. این مدیر داخلی اسنپ با تأکید بر اینکه از کانال‌های مختلفی واکنش‌ها، نقدها و نظرات مخاطبان و مشتریان را به دست آورده و آنالیز می‌کنیم، افزود: تعداد خودروهای فعال در شبکه، تعداد مشتریان روزانه را به ساعت‌های اوج ترافیک و واکنش‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد، جزء این بازخوردهای عملکردی است که بررسی می‌شود. درحال‌حاضر بیش از ۲۸ هزار همرا (راننده) در اسنپ فعال هستند که به صورت شناور در هر ساعتی از روز که بخواند با ما فعالیت می‌کنند و این مزیت خوبی است که بسیاری از شهروندان می‌توانند کسب‌وکاری داشته باشند که وقت زیادی نمی‌گیرد و امکان مدیریت زمان دارد. وی درعین‌حال یادآور شد که بیش از ۴۰ درصد مشتریان اسنپ را جوانان در رده سنی ۲۵ تا ۳۵ سال تشکیل می‌دهد که جزء مشتریان اولیه و پرمصرف هستند و افزود: به نظر می‌رسد با توجه به گرایش و شناخت جوانان از اپلیکیشن‌های جدید این شیوه سفر با استقبال اکثر جوانان مواجه شود. او درعین‌حال یک خبر دیگر هم داد و گفت: در حال بررسی شرایط رفتن اسنپ به شهرهای دیگر، جمله استان البرز هستیم. به نظر می‌رسد مهم‌ترین و اولین اتفاقی که می‌تواند پس از فراگیری استفاده از این شیوه سفر از سوی تاکسی‌های درون‌شهری و شرکت‌های خصوصی تاکسی‌رانی و آژانس‌های مسافربری دید این است که اشتکالات ساختاری و رسوب‌شده رونشان را (اصلاح کند تا نگاه مردم به خودشان برگرداند و باور کنند مشتری‌مداری در مؤلفه‌هایی دارد.

شلاق بر تن خبر

سهراب مظفرنجفی، فرماندار نجف‌آباد، در گفت‌وگو با «شرق»، هرگونه اطلاع خود از شلاق خوردن خبرنگار نجف‌آبادی را تکذیب کرد و با اشاره به اینکه پس از اجرای حکم او در جریان قرار گرفته، گفت: «من کلاً دو هفته است که به این شهرستان آمده‌ام، هیچ اطلاعی هم به من نده‌اند درحالی‌که حکم برای پنج ماه پیش بوده است. شلاق خوردن و نخوردن ایشان هنوز برای ما محرز نشده اما خود ایشان اذعان دارد که شلاق خورده، وقتی این اتفاق افتاد، ایشان به من اطلاع داد. اگر من در جریان بودم با آقایان صحبت می‌کردم و شاید این ماجرا حل می‌شد». وی در پاسخ به این سؤال که در کجای جهان شلاق‌زدن خبرنگاران امری بدیهی است، افزود: «تفسیر نکنید. من اطلاع ندارم ایشان شلاق خورده، ایشان خودش اذعان کرده که شلاق خورده و در صورتی که این مسئله صحت داشته باشد ناراحت می‌شوم». نجفی گفت: «در دولت تدبیر و امید این قصه پسندیده نیست، اما این مسئله را فقط خود خبرنگار اذعان دارد و من نمی‌توانم آن را تأیید یا تکذیب کنم، اما اگر این اتفاق افتاده باشد و آب ریخته باشد، دیگر چکاری از دست ما برمی‌آید؟ ایشان خود می‌گوید شلاق خورده و من اگر قبلیش می‌دانستم، از دادستان و رئیس دادگستری می‌خواستم به ما کمک کنند. وی نباید به‌عنوان روزنامه‌نگار به من اعلام می‌کرد که چنین اتفاقی در شرف وقوع است؟». همچنین صالحی، مدیر اداره ارشاد نجف‌آباد، به «شرق» می‌گوید: «ما همین الان که شما تماس گرفتید، در یک جلسه مرتبط با این موضوع هستیم. ما آنچه که باید پیگیری کنیم را انجام دادیم، اما اینکه چرا چنین حکمی صادر شده، ما کلاًمند هستیم و مراتب گله خود را نیز اعلام کرده‌ایم. قاضی مربوطه باید در قلمرو خود شلاق‌زدن خبرنگار را به احتمال قاضی مستدلاتی داشته. اما برای ما قانع‌کننده بوده و نه قانع شدیم. در شهرستان هم چنین رایی سابقه نداشته». وی در پاسخ به این سؤال که آیا از خبرنگار دلجویی شده نیز گفت: «ما رایشی‌های گسترده‌ای درباره شرایط امنیت روانی و اجتماعی با فرمانداری شهرستان و خود خبرنگاران و نیروی انتظامی داشته‌ایم. چون به شاینت خبرنگاران توهین شده، همچنان هم از مجاری قانونی پیگیر هستیم. ما باید از خبرنگار دلجویی کنیم و امیدوارم این اتفاق بیفتد، اما باز هم من نوعی با این دلجویی‌ها قانع نمی‌شوم و امیدوارم دوستانی که با کم‌حوصکی با خبرنگاران برخورد می‌کنند سعه‌صدر بیشتری داشته باشند». از این دست اتفاقات بار اولی نیست که می‌افتد. هنوز خبر سیلی‌زدن نادر قاضی‌پور، نماینده مردم ارومیه، در راهروهای مجلس به صورت خبرنگار پارلمانی روزنامه ایران در اذهان مانده است. شاید اگر همان روز اقدام عاجلی صورت می‌گرفت، امروز شاهد شلاق‌خوردن این خبرنگار نبودیم. اما حالا که خبرنگار شلاق را خورده، توجیه این اتفاق با اینکه خبرنگار به ما حرفی نزده، کار بسیار ساده‌تری از قبول مسئولیت به نظر می‌رسد. هیچ‌کس هم نخواهد فهمید که این زخم‌های کاری روی تن خبرنگاران چه بر سر رسانه‌ها خواهد آورد.